

تفسیر تربیتی سوره حمد

دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

نویسنده در این مقاله بعد از ذکر مقدمه‌ای در مورد اهمیت تفسیر تربیتی و تاریخچه آن، به مبانی، روش‌ها و قواعد تفسیر تربیتی اشاره می‌نماید، سپس شیوه‌نامه نگارش تفسیر تربیتی قرآن را ارائه می‌کند، آنگاه برای نمونه تفسیر تربیتی سوره حمد را در سه بخش بیان می‌نماید؛ در بخش نخست سیمای کلی سوره حمد (نام‌ها، فضایل و اهداف کلی آن)، در بخش دوم نکات تفسیری عمومی سوره و در بخش سوم مطالب تربیتی آن را بیان می‌کند که شامل نه روش تربیتی (القاء غیر مستقیم، الگودهی، تشویق، هشدار، جمع‌آوری، مقایسه، استدلال، رحمت‌گرایی و ارتباط مستقیم بین مربی و متربی)، هشت بعد تربیتی موجود در سوره حمد (اخلاقی و معنوی - اعتقادی - عبادی - اجتماعی - سیاسی - عقلی - عاطفی - اقتصادی) و در پایان پیام‌ها و آموزه‌های ویژه سوره حمد را به ترتیب آیات بیان می‌کند.

واژه‌های اصلی: قرآن، تفسیر، تربیت، حمد، سوره و تفسیر تربیتی.

درآمد

در قرآن اشارات علمی زیادی وجود دارد و مباحث میان‌رشته‌ای زیادی در همین مورد شکل گرفته است، در این میان ارتباط قرآن با علوم انسانی بیش از علوم طبیعی است. و در علوم انسانی نیز علوم تربیتی به قرآن و اهداف آن نزدیک‌تر است، چرا که قرآن کریم یکی از اهداف خویش را هدایت (بقره/۲) معرفی می‌کند و هدایت قرآنی وقتی تحقق می‌یابد که تغییری در بینش و رفتار افراد ایجاد شود، یعنی تربیت تحقق یابد، از این رو هدف اساسی قرآن تربیت انسان‌هاست. تفسیر تربیتی قرآن بر همین اساس ضرورت می‌یابد. آری! در میان گرایش‌های تفسیری، آنچه به هدف قرآن نزدیک‌تر است و هدف قرآن را بهتر می‌تواند تحقق بخشد، تفسیر تربیتی است. این مطلب در عصر حاضر تا آنجا مورد توجه قرار گرفته که برخی «اعجاز تربیتی» قرآن را مطرح کرده‌اند و در این مورد کتاب نوشته‌اند (ر.ک. به: الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم).

مفهوم شناسی

واژه تفسیر یک بار در قرآن به کار رفته است «أَحْسَنَ تَفْسِيرًا»؛ (فرقان/۳۳) که به معنای لغوی است و اشاره می‌کند که آیات قرآن در برابر مثال‌های مخالفان، مثال‌های حق و تفسیری زیباتر ارائه می‌کنند. در احادیث نیز واژه «تفسیر» به کار رفته است؛ از جمله پیامبر در حدیثی واژه ظلم در آیه ۸۲ انعام را به شرک «تفسیر» فرمود. راوی می‌گوید: «فقالوا ایتنا لم یظلم نفسه؟» «ففسره» النبی ﷺ بالشرك» (صحیح بخاری؛ ابن کثیر، تفسیر قرآن، ۴ / ۴۴۴؛ بصائر الدرجات، ۱۹۵).

واژه تفسیر در لغت به معنای «بیان»، «توضیح»، «پرده‌برداری» و «اظهار معنای معقول» به کار رفته است. (ر.ک. به: مقایس اللغه؛ مصباح المنیر؛ التهذیب؛ صحاح؛ تاج العروس؛ مفردات راغب، ماده «فسر»)

برخی معتقدند واژه «فسر» در اشتقاق کبیر، مقلوب «سفر» است (الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹۲/۲؛ البرهان فی علوم القرآن، ۲۸۴/۲؛ مجمع البحرین، ماده «فسر» و مسافرت

را از آن جهت سفر می‌گویند که اخلاق مردم در آن آشکار می‌شود و مسافر هنگام سفر از صحنه‌های جدید پرده بر می‌گیرد و آگاه می‌شود.

مفسران و صاحب‌نظران علوم قرآن نیز واژه «تفسیر» را به صورت‌های مختلف معنا کرده‌اند. (ر.ک. به: مجمع البیان، ۱۳/۱؛ البرهان فی علوم القرآن، ۳۳/۱؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ۷/۱؛ البیان، ۲۶۷؛ روش‌شناسی تفسیر، ۲۳ و ...).

با استفاده از معنای لغوی و تعاریف صاحب‌نظران، می‌توان تفسیر را این گونه تعریف کرد: «تفسیر کشف و پرده‌برداری از ابهامات واژه‌ها و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست».

به عبارت دیگر: «مقصود از تفسیر، تبیین معنای استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن، بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره و با یاری از منابع و قراین معتبر است».

ب: تربیت

برای تربیت تعاریف گوناگونی شده است. در مجموع می‌توان گفت: «فرآیند کمک به فرد تربیت‌پذیر برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست. که به واسطه عامل انسانی دیگر برای دست‌یابی وی به کمال و شکوفاسازی استعدادها یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می‌باشد» (فقه التریبه، ۲۵).

ج: تفسیر تربیتی

در تفسیر تربیتی قرآن این عناصر مورد عنایت است:

- ۱) توضیح معانی و مقاصد آیات قرآن با عنایت به فرآیند تربیت،
- ۲) استخدام علوم تربیتی برای توضیح آیات قرآن،
- ۳) توجه به بُعد تربیتی قرآن در بیان نکات تفسیری،
- ۴) تبیین آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی قرآن،
- ۵) بهره‌جویی از آیات قرآن برای جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی،
- ۶) نظریه‌پردازی‌های تربیتی بر اساس آیات قرآن،
- ۷) استنباط اهداف، مبانی و روش‌ها و در نهایت نظام تربیتی از قرآن،

۸) توجه به نکات تربیتی قرآن برای پرورش ابعاد و ساحت‌های تربیتی انسان؛ همچون: بعد عقلی، عاطفی، و ...).

تذکر: برخی عناصر بالا در تفسیر تربیتی و برخی در تفسیر موضوعی تربیتی تحقق می‌یابد. برای مثال استنباط نظام تربیتی قرآنی بدون توجه به همه آیات قرآن و طبقه‌بندی آنها در یک تفسیر موضوعی، در عمل امکان ندارد، اما به هر حال تفسیر تربیتی قرآن بر تفسیر موضوعی تربیتی مقدم است، زیرا تا وقتی نکات تربیتی را از تک تک آیات به دست نیاوریم، نمی‌توانیم آنها را در یک تفسیر موضوعی به صورت نظام‌مند کنار هم قرار دهیم.

پیشینه

تفاسیر کهن قرآن کم و بیش به مطالب تربیتی قرآن توجه داشته‌اند، ولی تفاسیر جدید مثل فی ظلال القرآن، نمونه، من هدی القرآن، من وحی القرآن، نور و تفسیر قرآن مهر بیشتر به این مطالب توجه کرده‌اند.

در عصر ما برخی تفاسیر با عنوان «تفسیر تربیتی» منتشر شده است، مثل نخستین تفسیر تربیتی قرآن، حسین میرزا خانی ۱۳۶۹ ش و التفسیر التربوی للقرآن الکریم، انواز البار، ۱۴۲۸ ق.

مورد اول رویکرد تربیتی به معنای خاص ندارد و بیشتر تفسیری اخلاقی، عرفانی، فقهی، فلسفی و ... است، تفسیر دوم هم که رویکرد تربیتی دارد، نکات تربیتی قرآن را به صورت مختصر مطرح کرده است. برای مثال ذیل سوره حمد پنج نکته تربیتی ذکر کرده است که عبارتند از:

۱. خدا حمد و سپاس را دوست دارد.
۲. از آداب دعا آن است که قبل از دعا حمد و ثنای الهی گفته شود.
۳. غیر خدا را نپرستید و از غیر او کمک نجویید.
۴. اعتراف به نعمت الهی زمینه‌ساز پیروی نیک از صالحان و نعمت داده‌شدگان است.
۵. هدایت خواهی از خدا، انسان را مایل به حرکت در مسیر صالحان می‌کند و لازمه ترس از گمراهی، مخالفت با یهود و نصاری و دیگر گمراهان است (التفسیر التربوی القرآن الکریم، ۳/۱).

روش‌شناسی

تفسیر تربیتی قرآن دارای مبانی، روش‌ها، قواعد، اسلوب و شیوه است.
۱. مبانی تفسیر تربیتی قرآن همان مبانی تفسیر عمومی قرآن است، مثل امکان فهم و تفسیر قرآن و جواز آن، تحریف ناپذیری قرآن و ... (ر.ک. به: منطق تفسیر قرآن (۱)، مبانی و قواعد تفسیری)

علاوه بر آن، امکان تفسیر تربیتی، وجود نکات و روش‌های تربیتی در قرآن و نظام‌مند بودن تربیت قرآنی از مبانی تفسیر تربیتی است که باید در جای خود اثبات شود.

۲. در تفسیر تربیتی از همه روش‌های صحیح تفسیر قرآن، مثل تفسیر قرآن به قرآن، روایی، عقلی، اشاری (باطنی)، علمی و اجتهادی بهره گرفته می‌شود و باید از تفسیر به رأی پرهیز شود. (ر.ک. به: منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری)، البته در این نوع تفسیر، روش باطنی به صورتی که علامه معرفت رحمته الله بیان کرده است، کاربرد بیشتری دارد. ایشان چهار مرحله زیر را برای بطن‌گیری از قرآن پیشنهاد می‌کند:

اول: به دست آوردن هدف آیه.

دوم: الغای خصوصیت از ویژگی‌های غیر دخیل در هدف.

سوم: به دست آوردن قاعده‌ای کلی (پیام آیه).

چهارم: تطبیق قاعده بر مصادیق جدید در هر زمان.

البته این قاعده و هدف باید از مدلول معنای التزامی آیه باشد؛ به صورتی که مورد آیه، مصداق آن باشد و گرنه برداشت شخصی و تفسیر به رأی می‌شود (التفسیر الاثری الجامع، ۳۱/۱ - ۳۶).

۳. تفسیر تربیتی، مبحث میان رشته‌ای است، بنابراین باید ضوابط مباحث میان‌رشته‌ای در آن رعایت شود. از جمله این که شخصی اقدام به این کار کند که با حوزه تفسیر و علوم تربیتی آشنایی لازم را داشته باشد (ر.ک. به: منطق تفسیر قرآن (۳)، روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن).

۴. قواعد تفسیری لازم در تفسیر عمومی، در این جا هم ضروری است (ر.ک. به: منطق

تفسیر (۱))، ولی در این جا از قاعده «بطن‌گیری» به صورت گسترده استفاده می‌شود.

۵. اسلوب اجرایی تفسیر تربیتی می‌تواند ترتیبی یا موضوعی باشد. «تفسیر موضوعی تربیتی» برای استنباط کل اهداف، مبانی و نظام تربیتی قرآن و «تفسیر تربیتی ترتیبی» برای به دست آوردن آموزه‌ها و پیام‌های آیات قرآن لازم است.

۶. شیوه ما در این نوشتار در تفسیر تربیتی سوره حمد با توجه به نکات یاد شده عبارت است از:

استفاده از اسلوب تفسیر ترتیبی؛ بهره‌گیری از روش‌های تفسیری و قاعده بطن‌گیری به شیوه علامه معرفت. البته نخست سیمای کلی سوره (نام‌ها، فضایل و اهداف کلی سوره) بیان، سپس تفسیر عمومی سوره بیان می‌شود، یعنی نکات تفسیری آیه به شیوه تفسیر سنتی تبیین می‌گردد، سپس نکات تربیتی سوره (روش‌ها، ابعاد، اهداف و آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی) بیان می‌شود.

تذکر: در حقیقت هدف ما از بیان تفسیر تربیتی سوره حمد، ارائه پیشنهاد و طرحی در این زمینه است تا با بررسی و نقد صاحب نظران راه کمال خود را بی‌یابیم و گامی نو در ارائه تفاسیر میان رشته‌ای برداشته شود.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «۱»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» «۲»

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «۳»

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» «۴»

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» «۵»

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» «۶»

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» «۷»

۱. به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز.
۲. ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.
۳. (همان خدایی) که گسترده‌مهر مهرورز است.
۴. خداوند روز جزاست.
۵. (خدایا) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.
۶. ما را به راه راست راه‌نمایی فرما.
۷. راه کسانی که به آنان نعمت دادی، (همان کسانی که) بر آنان خشم نشده است و [از] گمراهان نیستند.

الف: سیمای کلی سوره حمد

(۱) شمارگان

سوره حمد در مکه نازل شد و ۷ آیه، ۲۹ واژه و ۱۴۲ حرف دارد و اولین سوره در ترتیب فعلی قرآن است.

(۲) نام‌ها

۱- فاتحة الكتاب ۲- حمد ۳- وافیه ۴- شکر ۵- سبع المثانی ۶- نور ۷- أم الكتاب ۸- أساس ۹- کافیه ۱۰- الكنز ۱۱- أم القرآن ۱۲- مناجات ۱۳- شفاء ۱۴- دعاء ۱۵- صلوة.
این سوره را «فاتحة الكتاب» (گشاینده‌ی قرآن) نامیده‌اند؛ زیرا آغازگر قرآن است؛ و به خاطر حمد و ستایش خدا در این سوره و عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» در آیه اول، آن «حمد» نامیده شده است.

(۳) فضایل

از پیامبر اسلام حکایت شده است که: هر مسلمانی سوره حمد را بخواند، پاداش او به اندازه کسی است که دو سوم قرآن را خوانده است. (البرهان فی تفسیر القرآن، ۴۲/۱؛ مجمع البیان، ذیل سوره حمد).

(۴) اهداف

۱. بیان اصول اساسی دین، (توحید، نبوت و معاد)؛
۲. بیان نیاز و عشق و دعا (اول سوره ستایش، وسط اخلاص و پایانش نیایش بی‌واسطه با خدا) و نوعی آموزش سخن گفتن مستقیم با اوست.

ب: نکات و اشارات عمومی

۱. گفتن «بسم الله» در آغاز کار و سوره، به معنای کمک خواستن از خدا و نیز شروع کار به نام اوست [۱].
۲. «الله» جامع‌ترین نام خداست [۲] و تمام صفات او را در بر می‌گیرد [۳]، ولی نام‌های دیگرش، مثل رحمان، غفور، رازق و...، هر کدام به صفتی خاص اشاره دارند.

۳. واژه «رحمان» و «رحیم» از ریشه «رحمت» می‌باشند و مشهور بین مفسران آن است که صفت «رحمان» به رحمت عام خدا اشاره دارد ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (اعراف/۱۵۶) که شامل دوست و دشمن، و مؤمن و کافر می‌شود؛ زیرا بر فراوانی رحمت و فراگیری آن دلالت دارد.

۴. «حمد» به معنای ستایش کردن در برابر کار یا صفت نیک آگاهانه و اختیاری است.^[۴] «الحمد» اشاره دارد که اصل حمد و ستایش مخصوص خداست («الف و لام» برای جنس است)، چون خدا سرچشمه همه نعمت‌ها، مواهب و هدایت‌هاست، پس ستایش هر زیبایی و شکر هر نعمتی، در حقیقت ستایش خداست.

۵. «رب» در اصل به معنای صاحب و مالک شیء است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد؛ از این رو در فارسی به «پروردگار» ترجمه می‌شود. برخی مفسران آن را به «شخص بزرگی که فرمانش اطاعت می‌شود»، معنا کرده‌اند (ر.ک. به: مجمع البیان، ذیل آیه).
۶. در مورد واژه «عالمین» مفسران دو دیدگاه دارند:

الف) جمع «عالم»: مجموعه‌ای از موجودات مختلف که صفات، زمان یا مکان مشترک دارند. پس «عالمین» به مجموعه‌های جهانی، مثل عالم گیاهان، عالم حیوانات و عالم انسان‌ها اشاره دارد (تفسیر نمونه، ۳۰/۱). از امام علی علیه السلام در تفسیر آیه حکایت شده است که «العالمین هم الجماعات من کل مخلوق من الجمادات و الحيوانات و...» (نورالتقلین، ۱۷/۱).

ب) به معنای «جهانیان»: چون این واژه با «ین» جمع بسته شده است، پس برای صاحبان عقل به کار می‌رود این معنا در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز حکایت شده است (ر.ک. به: تفسیر المنار، ۵۱/۱).

به نظر می‌رسد چون واژه «عالمین» به هر دو معنای «انسان‌ها» و «کل موجودات» در قرآن به کار رفته است (ادعای نویسنده تفسیر نمونه در آیه ۳۶ جاثیه و ۲۳ - ۲۴ شعراء)، مانعی ندارد که مقصود در آیه هر دو معنا باشد؛^[۵] هر چند معنای دوم می‌تواند مصداقی از معنای اول باشد؛ یعنی خدا پرورش‌دهنده کل موجودات، از جمله انسان‌هاست.

۷. «رب العالمین» دلیل برای «الحمد لله» است، یعنی همه ستایش‌ها مخصوص خداست؛ چون پرورش دهنده جهانیان است و همه نیکی‌ها و تکامل‌ها از اوست.
۸. «مالک» به صاحب اختیار می‌گویند. مالکیت انسان‌ها اعتباری (نوعی قرارداد اجتماعی) است و با سند و شاهد ثابت می‌شود یا از بین می‌رود، اما مالکیت خدا ارتباطی حقیقی و تکوینی بین او و موجودات است؛ یعنی او علت هستی‌بخش جهان است و پیوسته به آنان فیض می‌دهد؛ به گونه‌ای که اگر یک لحظه این ارتباط قطع شود، موجودات نابود می‌شوند. (نمونه‌ای از این مالکیت را در مالکیت بر اعضای بدن، و نمونه کامل‌تر را در مالکیت بر تصورات ذهنی خود می‌یابیم).
۹. مفسران «مالک یوم الدین» را به دو گونه معنا کرده‌اند:
الف) صاحب اختیار روز جزا.
ب) صاحب اختیار روز دین.
واژه «دین» در قرآن گاهی به معنای آیین (ر.ک. به: انعام/۱۶۱؛ آل عمران/۱۹) و گاهی به معنای پاداش و جزا می‌آید؛ روزی که هر کس در برابر دین و آیین خود، جزا می‌بیند (تفسیر نمونه، ۱ / ۴۱).
۱۰. لحن سخن از آیه پنجم تا آخر سوره تغییر می‌کند و از زبان بنده، و خطاب به پروردگار گفته می‌شود.
۱۱. آیه پنجم به توحید عبادی اشاره دارد^[۶]؛ یعنی هیچ کس و هیچ چیز غیر از خدا را شایسته پرستش نمی‌دانیم و تنها از او اطاعت می‌کنیم و از تسلیم و بندگی در برابر غیر او می‌پرهیزیم.
۱۲. آیه پنجم به توحید افعالی نیز اشاره دارد؛ یعنی تنها مؤثر حقیقی در جهان خداست؛ پس تنها بر او تکیه می‌کنیم و از او یاری می‌جوییم؛ البته این بدان معنا نیست که عوامل و اسباب (مادی و معنوی) تأثیری ندارند، بلکه آنها نیز وجود و تأثیر خود را از خدا می‌گیرند و اگر در راستای فرمان خدا از آنها کمک گرفته شود، منافاتی با توحید ندارد، پس مقصود از توحید افعالی «نفی استقلال اسباب و عوامل در تأثیر» است.
۱۳. در پنج آیه اول سوره حمد به توحید و معاد توجه شد و در آیه ششم به هدایت (ارشاد با لطف و راه‌نمایی با نرمی که تنها در امور نیک به کار می‌رود) (تفسیر

القرآن الکریم، صدرالمآلهین، ۹۸/۱؛ تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی، ۴۲۵/۱) اشاره شد که یکی از ابعاد نبوت و امامت است.

بدین ترتیب، سوره حمد به اصول اساسی دین اشاره کرده است.

۱۴. هدایت دو قسم (تکوینی و تشریحی) است، یعنی گاهی خدا موجودات را با قوانینی که در طبیعت قرار داده است، به هدف اساسی خود رهنمون می‌شود و رشد و تکامل می‌بخشد (هدایت تکوینی) و گاهی با فرستادن پیامبران و امامان آن‌ها را راهنمایی می‌کند (هدایت تشریحی).

۱۵. صراط مستقیم^[۷] در قرآن کریم، همان آیین خداپرستی، دین حق و پای‌بندی به دستورات خداست (ر.ک. به: انعام/۱۶۱؛ یس/۶۱ - ۶۲؛ آل‌عمران/۱۰۱) مفسران گاهی آن را به اسلام، قرآن، پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام و آیین الهی تفسیر کرده‌اند که همگی به معنای دین الهی و جنبه‌های اعتقادی و عملی آن است (تفسیر فرات کوفی، ۵۱/۱؛ مجمع البیان، ۲۷/۱؛ تفسیر نمونه، ۵۰/۱).

۱۶. «صراط مستقیم» در احادیث به معنای راه پیامبران، ائمه و امام علی علیهم‌السلام و معرفت ایشان آمده است (تفسیر صافی، ۸۵/۲؛ تفسیر عیاشی، ۲۴/۱؛ تفسیر نورالثقلین، ۲۰/۱؛ تفسیر البرهان، ۱۰۷/۱؛ تفسیر المعین، ۱۹/۱).

این‌گونه احادیث مصداق‌های کامل پویندگان راه مستقیم را بیان می‌کنند که راه آنان همان راه خداپرستی و دین حق است و گرنه مفهوم راه مستقیم در این موارد منحصر نمی‌شود.

۱۷. کسانی که به آنان نعمت داده شده است، چهار گروه می‌باشند: پیامبران، راست‌گویان، شهیدان و شایستگان. «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/۶۹).

۱۸. مفسران در مورد «گروهی که خدا بر آنان خشم دارد» چند دیدگاه دارند. الف) گمراهان لجوج یا منافقانی‌اند که با حق دشمنی کردند و به آزار پیامبران پرداختند و در قرآن مورد خشم و لعنت خدا قرار گرفتند (ر.ک. به: نحل/۱۰۶؛ فتح/۶؛ آل‌عمران/۱۱۲).

ب) گمراهانی‌اند که بر گمراه کردن دیگران اصرار دارند.

ج) یهودیان منحرفی‌اند که به سختی در برابر اسلام ایستادند. در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به این مطلب اشاره شده است (نور الثقلین، ۲۳/۱ - ۲۴).
 ۱۹. مفسران در مورد «گمراهان» گفته‌اند: مقصود، گمراهان عادی‌اند، یا گمراهانی که در پی گمراه ساختن دیگران نباشند یا مسیحیان. در برخی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به معنای اخیر اشاره شده است (همان).
 ممکن است هر سه معنا مقصود باشد، ولی در هر صورت یهودیان و مسیحیان از مصداق‌های آیه‌اند و مفهوم آیه در آنان منحصر نیست.

ج: تفسیر تربیتی سوره حمد

با توجه به نکات و اشارات تفسیری عمومی بخش پیش، می‌توان برخی مطالب، نکات، آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی را از آیات سوره حمد برداشت کرد، پس نکاتی که در این بخش می‌آید، مبتنی بر آن نکات تفسیری است.

اول: روش‌های تربیتی در سوره حمد

روش‌های تربیتی زیادی در علوم تربیتی مطرح شده است. در قرآن کریم نیز به حدود صد روش تربیتی اشاره شده است که برخی از آنها در سوره حمد قرار دارند. مهم‌ترین این روش‌ها عبارتند از:

۱. القای غیر مستقیم (آموزش غیر مستقیم)

خداوند در قرآن معمولاً به صورت مستقیم با انسان سخن می‌گوید، ولی در سوره حمد از زبان انسان با خود سخن می‌گوید، یعنی مطالبی را که می‌خواهد به انسان آموزش دهد، به صورت مستقیم به او نمی‌فرماید، بلکه غیر مستقیم به او القا می‌کند. برای مثال:

- آموزش غیر مستقیم روش سپاس‌گزاری: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»
- آموزش غیر مستقیم روش کمک‌خواهی از خدا: «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»
- آموزش غیر مستقیم انتخاب راه مستقیم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

- آموزش غیر مستقیم چگونگی سخن گفتن با خدا در ضمن دعا و مناجات (اول ذکر صفات نیکوی الهی، سپس طرح درخواستها)
 - آموزش غیر مستقیم در مورد محتوای خواسته‌ها از خدا چه خواستن در ضمن دعا و مناجات: «اهْدِنَا»

۲. الگودهی و الگو پذیری

یکی از شیوه‌های تربیتی ارائه الگوهای مثبت و کامل به مرتبی است خداوند در سوره حمد افرادی را که به آنان نعمت داده است «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» به عنوان الگو معرفی می‌کند که بشر می‌تواند راه آنان را به عنوان راه مستقیم الهی الگویی خود قرار دهد. خداوند در آیات دیگر این الگوها را معرفی کرده است، مثلاً: پیامبران، راستگویان، شهداء و صالحان (نساء/۶۹)، حضرت ابراهیم (ممتحنه/۴)، پیامبر اسلام (احزاب/۲۱).

۳. تشویق مرتبی

در سوره حمد برای تشویق افراد به راه مستقیم به «نعمت‌های الهی» اشاره می‌کند که به ره‌پویان صراط مستقیم داده شده است تا فرد تربیت‌پذیر احساس کند که اگر راه درست را بپیماید، مشمول نعمت الهی می‌شود.

۴. هشدار

در سوره حمد دو مرتبه از شیوه هشدار و وعید استفاده شده است.

اول: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»: به مرتبی هشدار می‌دهد که روز جزا در پیش است، پس مراقب کردار خود باشید.

دوم: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ»: نوعی هشدار الهی برای کسانی است که از راه مستقیم منحرف می‌شوند، یعنی اگر کسی راه آنان را پیمود، گرفتار خشم الهی می‌شود.

۵. ایجاد ارتباط مستقیم بین مرتبی و مرتبی:

سوره حمد تجلی راز و نیاز مستقیم و بی‌واسطه با معبود یگانه است؛ او را ستودن و صفات نیکو و مهر او را یادآوری کردن، از او درخواست کردن و خود را تسلیم او کردن.

متربی در این سوره با مربی خویش مواجهه مستقیم دارد که این امر تأثیر شگرفی در تربیت متربی خواهد داشت. چون تربیت حضوری است؛ نه غیر حضوری، و متربی خود را در نزدیکی و مقابل پروردگارش می‌بیند؛ به گونه‌ای که می‌تواند از او یاری جوید و باید پاسخ‌گوی او نیز باشد.

۶. جمع‌گرایی

در سوره حمد سخن از «عبادت جمعی» و «کمک‌خواهی جمعی» است ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ آموزه این مطلب این است که خود را تنها نبیند و تنها برای خود دعا نکند، بلکه به عبادت جمعی و دعای جمعی روی آورد.

۷. رحمت‌گرایی

خدای متعال صفات جمال مثل رحمان و رحیم دارد؛ همان طور که صفات جلال مثل قهار، منتقم و ... دارد. سوره حمد بیشتر جلوه جمال الهی است و بر رحمت الهی تأکید دارد (رحمن و رحیم تکرار شده)، یعنی رحمت الهی بر غضب او مقدم شده است. این روش به متربی می‌آموزد که رحمت الهی بر غضب او تقدم دارد، پس باید به صفات جمال و رحمت الهی توجه پیدا کند و در تربیت بر مهر و رحمت تأکید نماید.

۸. مقایسه

در سوره حمد راه نعمت داده شدگان با راه مورد خشم قرار گرفتگان و راه گمراهان در برابر هم به تصویر کشیده شده تا متربی بتواند آنها را مقایسه و راه صحیح را انتخاب کند، یعنی از روش مقایسه غیر مستقیم استفاده شده است.

۹. استدلال

﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ دلیل ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ است، یعنی خداوند به صورت غیر مستقیم به متربی می‌آموزد که برای هر چیزی دلیل بخواهد، حتی برای حمد و ثنای الهی باید دلیل داشته باشد.

همان طور که در ذیل سوره انتخاب راه نعمت داده شدگان به نوعی اشعار به علیت دارد که چرا راه آنان را انتخاب کنیم چون مشمول نعمت الهی می شویم و گرفتار خشم الهی نمی گردیم.

دوم: ابعاد تربیتی در سوره حمد

در علوم تربیتی ابعاد و ساحت‌های تربیتی انسان به گونه‌های مختلفی تقسیم و مصادیق آنها بیان شده است، از جمله عقلی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و در قرآن نیز به بسیاری از ابعاد و ساحت‌های تربیتی انسان اشاره و به تربیت او از آن جهات توجه شده است. برخی از ساحت‌ها و ابعاد تربیتی که در سوره حمد مورد توجه قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

۱. تربیت اخلاقی و معنوی

سوره حمد از طرفی انسان را با خدا «بِسْمِ اللَّهِ» و از سویی با معاد «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» آشنا می‌کند، یعنی توجه انسان را به آغاز و انجام هستی و غیب جهان جلب می‌کند. اخلاق بندگی را نیز پرورش می‌دهد «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، روح سپاس‌گزاری را در وجود انسان تقویت می‌کند «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صفات الهی (رحمن، رحیم و ...) را به یاد می‌آورد تا فرصتی برای انسان ایجاد شود که صفات الهی را بشناسد و در وجود خود پیاده کند. بدین ترتیب خداوند متربی را با معنویات و مسائل اساسی اخلاق آشنا و بر طبق آنها او را تربیت می‌کند.

۲. تربیت اعتقادی

سوره حمد توحید عبادی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، افعالی «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و ربوبی «رَبِّ الْعَالَمِينَ» را مطرح می‌کند و در همان راستا، انسان را با صفات و اسمای الهی (الله، رحمن، رحیم و ...) آشنا می‌سازد همچنین به معاد اشاره می‌کند «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و از سویی هم به نبوت و امامت توجه می‌دهد «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». در همین راستا راه‌های انحرافی مخالف آنان را کنار می‌زند «غَيْرِ

الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» و بدین ترتیب متربی را با معرفت اصول دین (توحید - نبوت و معاد) پرورش می‌دهد.

۳. تربیت عبادی

خدای متعال در سوره حمد روحیه عبادت را به صورت غیر مستقیم در انسان پرورش می‌دهد «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» و آداب دعا را به او می‌آموزد؛ این که هنگام دعا نخست نام‌ها و صفات نیکوی الهی (الله، رحمن و رحیم) را بیان نماید و الله را ستایش کند و حمد گوید «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، سپس درخواست خود را مطرح کند.

۴. تربیت اجتماعی

خدا در سوره حمد به انسان یادآور می‌شود که تو اختیار داری و می‌توانی برای طی مسیر خود الگو انتخاب کنی، او برای بشر الگوی اجتماعی معرفی می‌کند؛ یعنی نعمت داده شدگان «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»؛ پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحان (نساء/۶۹) را سرمشق بشر معرفی و به او توصیه می‌کند که در زندگی اجتماعی راه صحیح را انتخاب کند و تولی و تبری داشته باشد، یعنی راه پیامبران و امامان معصوم را دوست بدارد و بیماید و از راه گمراهانی همچون مسیحیان و غضب شدگانی همچون یهودیان دوری گزیند. در امور اجتماعی به جمع‌گرایی اشاره می‌کند (نعبد - نستعین)، یعنی به فکر دیگران و جامعه پذیر و جمع‌گرا باشید و با هم دعا کنید و برای پیمودن راه حق افرادی را با خود همراه سازید. همچنین گروه‌های اجتماعی را بر اساس اعتقاداتشان به سه گروه تقسیم می‌کند؛ «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ - غَيْرِ الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ - وَلَا الضَّالِّينَ» یعنی مرز بندی‌های اجتماعی را بر اساس عقیده شکل دهید؛ نه بر اساس قبیله، ملیت و... بدین صورت سوره حمد متربی را با شاخصه‌های اجتماعی خاصی تربیت می‌کند.

۵. تربیت سیاسی

سوره حمد متربی را در مسیر سیاسی خاصی قرار می‌دهد، چرا که این سوره آموزه‌ها و پیام‌های سیاسی غیر مستقیمی دارد، از جمله:

- الگوی سیاسی شما پیامبران، امامان و شهدا هستند؛ نه افراد دیگر.
 - در روابط بین المللی از گمراهانی همچون مسیحیان و غضب شدگانی مانند یهودیان پیروی نکنید (و از آنان حمایت ننمایید).
 - به نام خدا شروع کنید؛ نه پادشاهان و
 - خدا را مالک اصلی بدانید؛ نه رؤسا، سرمایه‌داران و
 - ستایش مخصوص خداست؛ نه سلاطین ستمگر و
 - عبادت مخصوص خداست؛ پس عبودیت سران سیاسی مثل فرعون‌ها جایز نیست.
 - تنها از خدا کمک بخواهید؛ نه مستکبران و

۶. تربیت عقلی

قرآن کریم همواره به استدلال و برهان اهمیت داده است و قدرت تعقل و تفکر انسان را از این راه پرورش می‌دهد. (بقره/۱۱۱؛ انبیاء/۲۴؛ نمل/۶۴ و قصص/۷۵). در سوره حمد نیز اشاراتی به این رویکرد تربیتی دیده می‌شود که موجب پرورش و تربیت عقلی، تقویت خردورزی و برهان‌پذیر و برهان‌خواه شدن متربی است، از جمله این که تعبیرات «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» دلایل اختصاص حمد و ستایش به خداست. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، یعنی ای انسان! هر چیزی را با دلیل بپذیر و به دنبال دلیل و برهان برو. نیز انسان را در مسیر انتخاب یکی از سه راه (نعمت داده شدگان، گمراهان، غضب شدگان) آزاد می‌گذارد؛ آزادی و انتخابی که بر اساس عقل است.
 روشن است که دلیل خواهی و برهان‌پذیری و انتخاب‌گری، بعد عقلانی انسان را پرورش می‌دهد و او را فردی معقول و منطقی بار می‌آورد.

۷. تربیت عاطفی

در سوره حمد مهر الهی (رحمن و رحیم) تکرار شده است، یعنی به یاد مهر الهی باشید. این تکرار زمینه‌ساز پرورش مهر الهی در دل مردم می‌شود. چون محبت دو سویه است. در آخر سوره نیز خشم الهی را یادآور می‌شود، که هشدار به انسان است تا گرفتار آن نشود.

هر چند خدای متعال انفعالات نفسانی (مهر و غضب) ندارد، ولی یادآوری مهر و خشم الهی تأثیر عاطفی در انسان دارد و بعد احساسی متربی را رشد و بر اساس آن، به مسیر تربیت او جهت می‌دهد.

۸. تربیت اقتصادی

سوره حمد مالک حقیقی را خدا معرفی می‌کند؛ در برابر مالکیت‌های انسان بر وسایل، زمین و ... که اعتباری است، یعنی به متربی یاد می‌دهد که خود را مالک حقیقی چیزها نداند، بلکه همان طور که در آیات دیگر قرآن آمده، انسان جانشین خدای متعال است. از این رو بخشش و انفاق برای او آسان است «وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ» (حدید/۷).

سوره حمد خدای متعال را «رب» معرفی می‌کند «رَبُّ الْعَالَمِينَ» و ربّ به معنای مالک چیزی است که در پی اصلاح آن است. پیام این بخش برای متربی آن است که اگر مالک چیزی شدید، ربوبیت کنید و در پی اصلاح آن برآیید.

سوره حمد یاد می‌دهد که انسان فقط از خدا کمک بخواهد «إِلَّا بِكَ نَسْتَعِينُ» و این شامل همه امور معنوی و مادی، از جمله امور اقتصادی می‌شود؛ یعنی دیگران و اشیاء را در امور اقتصادی وسائل و ابزار بدانید و تنها از خدا یاری بجویید.

شاید بتوان گفت واژه نعمت در سوره حمد «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» شامل نعمت‌های معنوی و مادی می‌شود، یعنی همه نعمت‌های پاک الهی برای امثال پیامبران، صالحان، شهداء و صدیقان است، یعنی اگر شما هم نعمت‌های معنوی و مادی و اقتصادی پاک می‌خواهید، راه آنان را بروید.

روشن است که کثرت سرمایه‌های حرام نعمت و مایه فتنه است و آیه شامل آن‌ها نمی‌شود و گاهی ظلم افراد مانع رسیدن نعمت‌های مادی پاک و حلال به اولیای الهی می‌شود.

تذکر: شاید برخی تعبیرها در سوره حمد به ابعاد دیگر تربیتی اشاره دارد، مثلاً لزوم پیروی از نعمت داده شدگان، مثل انبیاء و صالحان و پرهیز از راهی که مشمول خشم الهی می‌شود، و نیز لزوم پیروی از راه مستقیم که لازمه آن پرهیز از راه شیطان و راه‌های انحرافی دیگر است.

شاید از این تعبیرها بتوان اشاراتی درباره تربیت جنسی برداشت کرد، چون لازمه پیروی از مفاد تعبیرهای یاد شده دوری از انحراف‌های جنسی است؛ انحراف‌هایی که موجب خشم الهی می‌شود. نتیجه این تربیت کنترل‌گریزه جنسی است؛ یعنی تربیت جنسی متربی در مسیر صحیح.

سوم: اهداف تربیتی در سوره حمد

با توجه به مفاد سوره حمد می‌توان دو هدف تربیتی زیر را استفاده کرد:

۱. هدایت، به عنوان هدف واسطه‌ای تربیت: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

۲. عبادت، به عنوان هدف مقدماتی تربیت: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾

در مورد هدف نهایی تربیت انسان، که همخوان با هدف نهایی آفرینش انسان است، اختلاف نظرهایی هست. از آیات مختلف نیز برداشت‌های متعدد شده است، از جمله «لقاء الله» ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق/۶)؛ رحمت ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ (هود/۱۱۹)؛ معرفت و علم (طلاق/۱۲) و ... (ر.ک. به: تفسیر موضوعی قرآن کریم، جمعی از نویسندگان، مبحث اهداف آفرینش).

چهارم: اصول و مبانی تربیت

از سوره حمد برخی اصول و مبانی تربیت اسلامی به دست می‌آید، از جمله:

۱. نیاز انسان به هدایت و تربیت؛

۲. تربیت‌پذیری بشر؛

۳. لزوم هدایت و تربیت انسان؛

۴. آزادی انسان در انتخاب راه؛

۵. لزوم توجه به ابعاد توحید در تربیت انسان؛

۶. لزوم توجه به معاد در تربیت انسان؛

۷. لزوم وجود الگوهای تربیتی (رهبران الهی)؛

۸. تربیت صحیح و انحرافات تربیتی انسان مراتب دارد؛ یعنی هدایت و عبادت

انسان و بهره‌مندی او از نعمت‌ها و نیز مراتب سقوط و انحرافات انسان، مثل گمراهی و مورد خشم الهی واقع شدن، دارای درجات و مراتب است.

پنجم: پیام‌ها و آموزه‌های تربیتی آیه‌ها

اگر بر اساس شیوه علامه معرفت رحمته‌الله در بطن‌گیری از آیات عمل کنیم (به دست آوردن هدف آیه، الغای خصوصیت از خصوصیات غیر مؤثر در هدف، استنباط پیام و آموزه کلی از آیه، تطبیق بر مصادیق جدید) (ر.ک. به: التفسیر الاثری الجامع، ۳۲/۱)، می‌توانیم پیام‌ها و آموزه‌های ویژه هر آیه را به دست آوریم.

با استفاده از شیوه بالا پیام‌ها و آموزه‌های آیات سوره حمد را به ترتیب بیان می‌کنیم. بدیهی است در این مورد احتیاط زیادی لازم است تا مفسر به دامن برداشت‌های ذوقی و غیر مرتبط با آیه یا تحمیل و تفسیر به رأی گرفتار نشود. در ضمن ممکن است هر کدام از این آموزه‌ها و پیام‌ها به یکی از ابعاد تربیتی، روش‌های تربیتی یا اهداف و اصول پیش‌گفته اشاره داشته باشد.

۱. پیام «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز هر سوره این است که جهت‌گیری سوره‌های قرآن توحیدی و جلوه‌گر رحمت اوست.
۲. سخن و کار خویش را با نام خدا شروع کنید و از او کمک بگیرید.
۳. در آغاز هر کار به یاد مهر و لطف حق باشید.
۴. همه جهانیان تحت تربیت الهی قرار دارند.
۵. تنها خدا شایسته ستایش است.
۶. همه نعمت‌ها و تربیت‌ها را از خدا بدانید، حمد و شکر او را به‌جا آورید و هر شبانه روز آن را بارها تکرار کنید.
۷. خدا رحمتی فراگیر برای جهانیان و رحمتی ویژه برای دوستانش دارد (از این رو او را ستایش و سپاس گویند).
۸. خدای شما مهربان است (و دوست دارد او را بدین صفت بشناسید و بخوانید).
۹. به یاد مهر الهی باشید و بارها آن را یاد کنید.
۱۰. جهان بی‌فرجام نیست و روز جزا در پیش است.
۱۱. کسی را ستایش کنید که در رستخیز همه‌کاره است.
۱۲. هیچ کس را غیر از خدا نپرستید و تنها او را عبادت کنید.
۱۳. از غیر خدا به طور مستقل کمک نخواهید و تنها از او یاری بجویند.

۱۴. در دعا جمع‌گرا باشید.
۱۵. همواره از خدا راه‌نمایی و هدایت بخواهید.
۱۶. به راه مستقیم بروید (و از راه‌های انحرافی پرهیز کنید).
۱۷. راه خدا، مستقیم، - کوتاه‌ترین راه - است و راه‌های انحرافی طولانی است. (با توجه به این‌که «صراط مستقیم» کوتاه‌ترین راه بین دو نقطه است. آری! «ان الراحل الیک قریب المسافة»).
۱۸. پیوسته خط رهروان راه مستقیم و پیروان راه‌های انحرافی را مطالعه و خط خود را انتخاب کنید.
۱۹. از نیکان نعمت داده شده الگو بگیرید.
۲۰. از کثر راه‌ها دوری گزینید.
۲۱. به راهی نروید که گرفتار خشم الهی شوید.

پی‌نوشت‌ها

[۱] یعنی متعلق «بسم الله» می‌تواند «استعین» و نیز «ابتدی» باشد. ریشه اسم را «سمو» یا «وسم» دانسته‌اند. «اسم» در اصل به معنای بلدی یا نشانه است و به «نام» هر چیزی «اسم» می‌گویند، چون نشانه اوست و پس از نام‌گذاری از مرحله پنهانی بیرون می‌آید و بروز و ارتفاع می‌یابد.

[۲] واژه «الله» در اصل لغت به معنای معبود، پناهگاه، مایه آرامش یا پوشیده می‌باشد و یا به معنای چیزی است که انسان در مورد آن متحیر است و یا واله و شیدای اوست. (ر.ک. به: مجمع البیان، ذیل آیه اول، سوره حمد؛ المفردات فی غریب القرآن، قاموس قرآن، واژه «الله»). برخی ریشه الله را آله (عَبَد)، آله (تَحْيِر)، لاه (احتجب) و ولاه (محبوب) معرفی کرده‌اند و برخی آن را غیر مشتق دانسته‌اند.

[۳] «اله» اسم عام است که در فارسی به خدا ترجمه و به آلهه (خدایان) جمع بسته می‌شود، ولی «الله» اسم خاص است که در فارسی، خدا و گاهی خداوند، یزدان و ایزد ترجمه می‌شود؛ بنابراین واژه خدا در فارسی به دو صورت عام و خاص کاربرد دارد، مثل «god» (اله) و «God» (الله) در انگلیسی (خدا از دیدگاه قرآن، ۱۱۲-۱۱۴)؛ البته واژه «خدا» (خوداً) نزدیک به معنای «واجب الوجود» است و واژه «god» تحت تأثیر فرهنگ مسیحیت است و هیچ کدام معنای دقیقی برای الله نیستند.

[۴] واژه «مدح» به معنای هرگونه ستایش است، خواه در برابر امری اختیاری باشد یا غیر اختیاری؛ و «شکر» در برابر نعمت‌هایی است که با میل و اراده دهنده به ما رسیده است، البته حمد و مدح معمولاً با زبان است، اما شکر گاهی با زبان و گاهی با عمل است (تفسیر نمونه، ۲۸/۱).

[۵] ما در اصول فقه با دلایلی پذیرفته‌ایم که کاربرد لفظ در بیشتر از یک معنا اشکال ندارد.

[۶] توحید را به دو قسم نظری (توحید ذاتی) و عملی (توحید صفاتی) تقسیم می‌کنند. توحید عملی شامل توحید عبادی و افعالی می‌شود، البته توحید تقسیم بندی‌های دیگری نیز دارد که به آنها اشاره خواهیم کرد.

[۷] «صراط» به معنای راه آسان است (شبییه بزرگ‌راه) و «مستقیم» از ریشه «قام» است، یعنی راه صاف که بدون انحراف است؛ و به کوتاه‌ترین راه بین دو نقطه صراط مستقیم می‌گویند (المفردات فی غریب القرآن، ماده صراط و قام). در قرآن واژه «سبیل» نیز به معنای راه به کار رفته است، ولی معنای آن با صراط تفاوت دارد. ... سبیل راه‌های فرعی است که به راه اصلی می‌رسد و معنای صراط، همان راه اصلی است (آشنایی با قرآن، ۵۰/۲). به نظر برخی مفسران «صراط» به معنای راه روشن و گسترده است (تفسیر القرآن الکریم، صدر المتألهین، ۹۸/۱) و به نظر برخی دیگر در اصل به معنای بلعیدن است و به جاده عمومی گفته می‌شود؛ چون گویا رهروان را به جلو می‌برد و مانند دستگاه هاضمه در خود می‌کشد (پرتوی از قرآن، ۳۲/۱).

منابع

۱. ابن ابراهیم، فرات، تفسیر فرات الکوفی، کوفی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ قمری، اول.
۲. ابن عیاش السلمی قندی، محمد بن مسعود (المعروف بالعیاشی)، تفسیر العیاشی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۳. انوار الباز، التفسیر الترویوی القرآن الکریم، ۱۴۲۸ ق.
۴. البحرانی، سید هاشم الحسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، دار الکتب العلمیة، قم، ۱۳۳۴ ش.
۵. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد علیهم السلام، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ قمری.
۶. بهشتی، محمد، خدا از دیدگاه قرآن، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، چ هفتم.
۷. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی، قم، المطبعة ۱۳۹۴ ق.
۸. جمعی از نویسندگان، تفسیر موضوعی قرآن کریم.
۹. حویزی عروسی، عبدعلی بن جمعه نورالثقلین، المطبعة العلمیة، قم، ۱۳۸۳ ق، الطبعة الثانية.
۱۰. خمینی، سید مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ق، چ اول.
۱۱. الراغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، المكتبة الرضویة، تهران، ۱۳۳۲ ش.
۱۲. رجب، مصطفی، الاعجاز الترویوی فی القرآن الکریم، ۲۰۰۶ م.
۱۳. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار تفسیر القرآن الکریم، دارالمعرفة، بیروت، الطبعة الثالثة، بی تا.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، نشر جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیة، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۲) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، نشر جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیة، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۳) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، نشر جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیة، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. روش شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹.
۱۸. الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ ق، البرهان فی علوم القرآن، دار المعرفة، بیروت.
۱۹. الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ ق، البرهان فی علوم القرآن، دار المعرفة، بیروت.
۲۰. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، ۱۴۰۷ ق، الاتقان فی علوم القرآن، دار الکتب العلمیة، بیروت.

۲۱. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل الخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۲۲. صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶، ج دوم.
۲۳. طالقانی، آیه الله سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۲۴. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (امین الاسلام)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق، ج پنجم.
۲۵. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۱ ش، ج سوم.
۲۶. کاشانی، محمد محسن فیض، تفسیر صافی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲ ق، الطبعة الثانية.
۲۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق.
۲۸. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن ۲، انتشارات صدرا، قم، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲ ش.
۲۹. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، مؤسسة التمهید، قم، ۱۳۸۳ ش، الطبعة الاولى.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ ش.